

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)  
جلسه ۶۳

۱۳۹۵ / ۰۵ / ۱۱



■ پناه بردن به خداوند از زمانه

■ آیا می‌توان امور را به زمان نسبت داد؟

■ عوامل اختیاری و غیراختیاری ناکامی انسان

۱. عوامل غیراختیاری

۲. عوامل اختیاری

■ معنای پناه بردن به خداوند از زمانه

■ نکات پایانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمده

عواملی که تا قبل از این مطالعه شد، عوامل داخلی بودند.

اولین عامل از عوامل خارجی، شیطان بود که معلوم شد با وجود اینکه یک عامل بیرونی است، می‌تواند درونی شود. راه‌های تسلط و ورود شیطان را نیز بررسی کردیم. انسان باید دائماً به خدای متعال پناهنده باشد و برای مقابله با شگردهای شیطان طراحی کند تا از سلطه‌ی او در امان بماند.

عامل خارجی بعدی، عامل مصیبت‌های زمانه و عامل سوم هم سلطان، یعنی حکومت است

بحث ما در گزارش مضامین هشتمین دعای صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجادیه به این قطعه از دعا رسید که حضرت فرمودند: پروردگارا! از تسلط و غلبه‌ی شیطان بر ما به تو پناه می‌بریم: «نَعُوذُ بِكَ... أَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكِبَنَا الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ».

در این قطعه، امام (علیه السلام) سه عامل بیرون از شخصیت ما، ولی کاملاً مرتبط و مؤثر را مطرح می‌کنند که اینها می‌توانند در مسیر کمال ما مانع یا بازدارنده یا ساقط‌کننده باشند. بیشتر

## پناه بردن به خداوند از زمانه

معنای مصیبت است. در فارسی کلمه‌ی نکبت، استفاده‌ی جالبی ندارد و معمولاً ما به عنوان فحش یا ناسزا از آن استفاده می‌کنیم؛ اما معنای اصلی نکبت، مصیبت است و جمع آن می‌شود نکبات که به معنی سختی‌های بارزی است که شخص را محاصره می‌کند و می‌تواند او را زمین‌گیر یا متوقف کند. گاهی ما از آن تعبیر به طوفان حوادث و مصیبت‌ها نیز می‌کنیم.

یکی از آقایان که دعاهای صحیفه‌ی مبارکه را از نظر واژه‌شناسی بررسی کرده‌اند، تعبیرشان این است که وقتی به

یک اصطلاح شناخته‌شده در همه‌ی زبان‌ها درباره‌ی زمان و زمانه و دهر وجود دارد. این تعبیر وقتی با کلمه‌ی نکبت و مصیبت ترکیب می‌شود، چنین برداشت می‌شود که گویا زمان با ما سر ناسازگاری دارد و این یک فهم عرفی است.

امام (علیه السلام) از همین فهم عرفی که گویا مردم همه‌ی سرزمین‌ها دارند، استفاده کرده‌اند و یک نکته‌ی بسیار مهم را که شناخت آسیب‌های درونی و بیرونی کمال ما است، مطرح کرده‌اند.

کلمه‌ی «يُنْكَبْنَا» از نکب ینکب به

کسی می‌گویند: «نکبت الدهر» و از نوع مجاز عقلی است؛ به این معنا که چه‌بسا خواسته‌ایم بگوییم چون زمان بر همه چیز در عالم مادی احاطه دارد و همه چیز موصوف به زمان هستند و تحت زمان قرار می‌گیرند، گویا از شرّ ما فی الزمان و مصیبت آن چیزهایی که در این عالم هست، آورد، به تو پناه می‌بریم. به خدا پناه می‌بریم.

## آیا می‌توان امور را به زمان

### نسبت داد؟

گاهی در بعضی از زبان‌ها مثل زبان عربی، به کلمه‌ی دهر خیلی ناسزا می‌گویند. در روایت داریم که: «لا تُسَبُّوا الدَّهْرَ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الدَّهْرُ»؛ [۱] یعنی روزگار را بد نگویند و فرمودند که دهر خود الله تبارک و تعالی است که

آیا می‌شود مصیبت را به زمانه و زمان به معنای عقلی یا حسی نسبت دهیم؟! آقایان می‌گویند که این نسبت یک اسناد مجازی

جهان را مدیریت می‌کند و همه چیز تحت تسلط او است. و بسیاری از آنها خارج از اختیار است. از همه‌ی این مجموعه به زمان تعبیر می‌شود و وقتی می‌گوییم زمان، در واقع، منظور ما زمانیات است؛ یعنی همین مجموعه‌ی علت‌ها و معلول‌ها و اسباب و مسببات در هم تنیده که ما در محیط عجیبی در دنیا زندگی می‌کنیم که یک سری از علل و اسباب و مسببات ما را احاطه کرده و ما وسط این دایره قرار گرفته‌ایم و مبادی این علل و عوامل هم خیلی متنوع است. برخی از آنها شناخته و بسیاری از آنها ناشناخته است. بعضی ظاهری است و بسیاری از آنها باطنی است. برخی اختیاری است و بسیاری از آنها غیر اختیاری است.

به زمان تعبیر می‌شود و وقتی می‌گوییم زمان، در واقع، منظور ما زمانیات است؛ یعنی همین مجموعه‌ی علت‌ها و معلول‌ها و اسباب و مسببات در هم تنیده که ما در محیط عجیبی در دنیا زندگی می‌کنیم که یک سری از علل و اسباب و مسببات ما را احاطه کرده و ما وسط این دایره قرار گرفته‌ایم و مبادی این علل و عوامل هم خیلی متنوع است. برخی از آنها شناخته و بسیاری از آنها ناشناخته است. بعضی ظاهری است و بسیاری از آنها باطنی است. برخی اختیاری است و بسیاری از آنها غیر اختیاری است.

در اینجا امام با این تعبیر اشاره می‌کنند به آن گرفتاری‌ها

و دشواری‌ها و رنج‌ها و ظرف کمتر از یک ماه کل جریان زندگی من برگشت. آدمی سالم و باطراوت و بانشاط و مشغول به کار بودم؛ اما یک باره احساس رنج کردم. آزمایش دادم و معلوم شد که سرطان دارم. در این مدت تمام فضای زندگی من عوض شد و همه‌ی پس‌اندازهایم را برای درمان خرج کردم. صبح یک قرص ۳۰۰ هزار تومانی می‌خورم و شب هم یکی.

و دشواری‌ها و رنج‌ها و آسیب‌هایی که می‌تواند از رهگذر این در هم تنیدگی علت‌ها و معلول‌ها و اسباب و مسببات متوجه ما شود؛ و از اینها به خدای متعال پناه می‌برند. پس اینجا سخن درباره‌ی طوفانی از دشواری‌ها و تیرهایی است که از چله‌ی زمانه به سوی ما شلیک می‌شود و برای ما تولید ناکامی و شکست و دردسر می‌کند.

گاهی نیز یک هجوم ناگهانی است و گاهی به مال یا فرزند یا جسم انسان می‌خورد. چند روز پیش آقایی در فرودگاه جلو آمد و احوال‌پرسی کرد و گفت:

این قطعه‌ی دعا خیلی قطعه‌ی عجیبی است و به همین مصیبت‌ها اشاره دارد. گاهی این مصیبت به فرزند و همسر انسان می‌رسد و گاهی یک انسان



کامیاب اقتصادی یا سیاسی دچار ناکامی‌هایی می‌شود.

قابل تحمل، عاملی غیر اختیاری دارد، برایش دو صورت قابل تصور است. یکی آنجا است که این مصیبت آمده تا خیر بالاتری را به شخص برساند. به اینها مصیبت تأدیبی می‌گویند که می‌خواهد شخص را ادب کند. ظاهرش تلخ است، اما باطنش خیر و حاوی رشد است که به این اصطلاحاً امتحان می‌گوییم.

## عوامل اختیاری و غیراختیاری ناکامی انسان

### ۱. عوامل غیراختیاری

ما این موضوع را در دو عنوان بررسی می‌کنیم: اول بخش عوامل غیر اختیاری و دوم بخش عوامل اختیاری.

دوم آنجا است که شخص در معرض عوامل پنهانی قرار می‌گیرد که خارج از اراده‌ی او است؛ تیری می‌آید و وسط زندگی من می‌نشیند و زندگی مرا به هم می‌ریزد.

آنجا که با تصمیم و انتخاب من ارتباط پیدا می‌کند و به خاطر سوء اختیار و بد عمل کردن خودم، فلان مصیبت سر من می‌آید، آن را اختیاری می‌نامیم. آنجا که این دشواری‌های غیر

آنجا که انسان در ذیل پناهندگی از شش نسل قبل حرکت کرده به حق تعالی، از او صبر و تحمل و فهم مناسب طلب می‌کند تا و مصیبت وارده عامل رشد شود، امکان پناهندگی وجود دارد. ما از این امتحان در امان نیستیم و روایات به ما یاد داده است که نگوئید ما را امتحان نکن، بلکه بگوئیم: خدایا! ما را در امتحان‌ها یاری کن. ظاهر این دسته از مشکلات، رنج است، اما در واقع انسان را بیدار می‌کند.

اما آنجا که در معرض مصیبتی هستیم که از علل پنهانی سرچشمه می‌گیرد، چطور؟ مثلاً مشکلی از سلسله‌ی طولی وراثتی آمده و رخ داده، اثرش به طور امتدادی به شکل یک زمینه یا یک عامل مؤثر، در جریان زندگی من وارد می‌شود. این دشواری‌ها ممکن است به سر هر کسی

بیاید؛ البته روی حساب است، ولی اینجا ظهور کرده است. ما کسانی را که این اتفاقات برایشان افتاده، توصیه‌ی به صبر جمیل می‌کنیم و معتقدیم که برای آنها ترفیع درجه و کاهش معصیت را در پی دارد.

دیگران به تو می‌رسد. برای همین به ما گفته‌اند مراقب فتنه‌هایی باشید که وقتی بیاید، خشک و تر را با هم می‌سوزاند. بعضی از بی‌دقتی‌ها تولید در دسرهایی می‌کند که خشک و تر می‌سوزد. ظلم از همین قبیل است و برخی گناهان نیز وقتی زیاد می‌شود، پشت سرش نکبت می‌آید و این نکبت‌ها فقط دامان گناهکاران را نمی‌گیرد؛ بلکه محرومیت‌ها و ضررهای آن همه را در بر می‌گیرد. این مثالی برای سلسله‌ی عرضی بود و آن مساله‌ی ژنتیک، مثال سلسله‌ی طولی بود

قرآن می‌فرماید: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً؛» [۲] و بترسید از فتنه‌ای که فقط به ستمکاران شما نمی‌رسد». لازم نیست طرف خودش ظلم کرده باشد تا این مصیبت به او برسد. همین‌که در جامعه اتفاق می‌افتد و همه به هم متصل هستند، موج اقدامات

## ۲. عوامل اختیاری

اقتصاد است، ربا است و در محور اختیاری، که اختیار شخصی و جمعی را نیز در بر می‌گیرد، یک دسته، گناہانی هستند که از آنها نکبت و مصیبت تولید می‌شود. مثال ویژه‌اش ظلم است. هر قسم از ظلم، تولید نکبت و مصیبت می‌کند و تیرش عجیب به هدف می‌خورد. اگر دلی شکستی، منتظر باش که می‌آید و در جایی وارد می‌شود و نیشش را به تو می‌زند. ما الان بحث آخرتی نداریم که آن داستان خودش را دارد؛ فعلاً درباره دنیا بحث می‌کنیم. یکی دیگر از گناہان دیگری که نکبت می‌آورد و در محور

اقتصاد است، ربا است و در محور اجتماعی، بی‌عفتی است که خیلی عجیب است از جهت تولید نکبت. یک دسته هم مربوط به سوء تدبیر و بی‌برنامگی است. بی‌برنامگی یا بدبرنامگی باعث تولید نکبت و تسلط زمان بر ما می‌شود و به جای آنکه ما زمان را مدیریت کنیم، زمان ما را مدیریت می‌کند و سر رشته‌ی امور از دست ما خارج می‌شود. اصطلاح روایی این دسته، سوء تدبیر و مهمل بودن است. مثلاً بسیاری از رفتارهای ما در بحث تغذیه، نکبت‌بار است و تولید

بیماری می‌کند. هر روز شاهد یک مریضی جدید هستیم که بخش عمده‌ای از آن مربوط به روش زیست و تغذیه‌ی ما می‌شود. نکته‌ای را نیز یکی از شارحان خیلی قدیمی صحیفه اشاره کرده و آن اینکه می‌شود بگوییم نکبت‌های ناشی از اراده‌ی اهل زمان مراد امام بوده است. این مطلب در توضیح ما گنجانده شد و در ذیل غیر اختیاری‌ها آن را بیان کردیم. اینجا است که وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» [۳] روشن می‌شود و اصلاً در این عالم بیماری می‌کند. هر روز شاهد یک مریضی جدید هستیم که بخش عمده‌ای از آن مربوط به روش زیست و تغذیه‌ی ما می‌شود. نکته‌ای را نیز یکی از شارحان خیلی قدیمی صحیفه اشاره کرده و آن اینکه می‌شود بگوییم نکبت‌های ناشی از اراده‌ی اهل زمان مراد امام بوده است. این مطلب در توضیح ما گنجانده شد و در ذیل غیر اختیاری‌ها آن را بیان کردیم. اینجا است که وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» [۳] روشن می‌شود و اصلاً در این عالم

### معنای پناه بردن به خداوند از زمانه

با این مقدمه و توضیحات، «نَعُوذُ بِكَ» را معنا کنیم.

گفتیم که بخشی از مصیبت‌های زمانه به عوامل غیرارادی و غیراختیاری اشاره دارد که یا از زمان‌های دور و از طریق سلسله‌ی نسلی به من می‌رسد یا در زمان خودمان به واسطه‌ی کار دیگران به ما می‌رسد. در بخش

پناهندگی غیراختیاری یک آیه داریم. ما چیزی به نام لوح محو و اثبات داریم قرآن درباره‌اش می‌فرماید: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» [۴] خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد او است». این چیزهایی است که نوشته می‌شود و خارج از اراده‌ی ما است و آنچه در این لوح نگاشته می‌شود، تحت اراده‌ی حضرت حق تبارک و تعالی است. من پناه می‌برم به آن اراده‌ای که مسلط بر این لوح است و آنچه را هم که نوشته شده، می‌تواند محو کند. محو به دست او است.

«أَعُوذُ بِكَ مِنَ نَكْبَاتِ الزَّمَانِ» یعنی خدایا من از تو می‌خواهم محو آنچه نوشته شده که به سر من بیاید (در بخش پنهانی). پس اینجا مسئله‌ی محو و اثبات مطرح است که نکته‌ی بدیع و جالبی است. برخی چیزها در کتاب الهی نوشته می‌شود، اما قابل پاک شدن است. از خدای متعال می‌خواهیم که آن را محو کند و بردارد. ما در بحث دعا گفته‌ایم که هر کسی از سر اعتقاد در پناه قدرت حضرت حق پناهنده شود، این دعا سبب‌سوز و محوکننده‌ی عوامل نکبت‌بار و

مصیبت‌بار است. لذا در دعای  
 کمیل می‌گوییم: «كَمْ مِنْ فَادِحٍ  
 مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتْهُ (أَمَلَتْهُ) وَ كَمْ  
 مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتُهُ وَ كَمْ مِنْ  
 مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ». خدایا! ممنون  
 هستم که خیلی از مصیبت‌ها را  
 برطرف کردی.

البته آنجا، هم دفع و هم رفع  
 اتفاق می‌افتد. قرار بوده بلایی  
 سر من بیاید و من بی‌خبر بودم.  
 اما خودم یا پدرم یا مادرم یا  
 دوستم دعا کرد و آن بلا برطرف  
 شد و بعد که پرده کنار می‌رود،  
 می‌بینی که هر روز چقدر  
 مصیبت به سر تو می‌آمده و  
 این دعا همه‌اش را شکسته است.

برخی مصائب برای تربیت است.  
 در آنجا می‌گوییم: ما را کمک  
 کن مصیبتی که بر ما می‌آید،  
 در هاضمه‌ی روان و شخصیت ما  
 پذیرفته شود تا آن را تحمل کنیم  
 و برای ما تبدیل به رشد شود.  
 پس «نَعُوذُ بِكَ» در محور غیر  
 اختیاری توقع نصرت و صبر  
 است و همچنین توقع محو آنچه  
 برای ما از نکبت‌ها در سلسله‌ی  
 طولی و عرضی نوشته شده است.  
 اما در بخش اختیاری، معنای  
 «نَعُوذُ بِكَ» می‌شود طلب  
 مغفرت از پروردگار متعال؛ یعنی  
 از گناهانی که تولید نکبت و  
 مصیبت می‌کند، قبل از آنکه

عوارضش به ما برسد، عفو الهی شامل حال ما و قوم ما و جامعه‌ی ما و همشهری‌های ما شود. اصابت این طلب مغفرت هم دفع نکبت‌ها و دور کردن آنها از ما است.

معنای دیگر «نَعُوذُ بِكَ» به سوء تدبیر و غفلت و تنبلی برمی‌گردد و معنایش این است که خدایا، کمک کن تا مدیر زمانه و عمر و زمان خودم شوم و خوب و شایسته برنامه‌ریزی و بهره‌برداری کنم.

معنای دیگر «نَعُوذُ بِكَ» در محور اختیاری هم هدایت خواستن از خدای متعال در رفع آن نکبت‌ها و مصیبت‌ها است که نوعی پیشگیری است؛ یعنی هدایتی شامل حال ما شود که مقدمات این معصیت‌ها را بردارد. اینکه خدا گناه ما را ببخشد، دفعی است؛ ولی اینکه مقدمات آن را بردارد، رفعی است.

حضرت حق برای داشتن برنامه است که به این ترتیب انسان حفظ می‌شود و از مصیبت‌های ناشی از بی‌برنامگی یا بدبرنامگی صیانت پیدا می‌کند.

### نکات پایانی

۱. دعا قدرتی مافوق همه‌ی قدرت‌ها و یک سلاح خارق‌العاده است.



۲. آنجایی که خارج از اختیار من، مصیبتی متوجه من هست، «نَعُوذُ بِكَ» یعنی آن مصیبت قابل تحمل شود تا جنبه‌ی تأدیبی و رشد پیدا کند.

۳. در لوح نوشته شده که فلان بلا یا بیماری یا مصیبت بر سر شخص بیاید، اما دعا آن را محو می‌کند و از دفتر تقدیر برمی‌دارد. گاهی چیزی در سلسله‌ی طولی یا عرضی برای شما نوشته شده است و دعا می‌تواند آن را بردارد. اینجا حرف‌هایی هست که مقداری سنگین است که من وارد آن نمی‌شوم. جالب آنکه اگر به شرح‌های صحیفه، حتی

۴. چنانچه به حقیقت پناهندگی از حضرت حق برسیم، از بخش عمده‌ای از عواملی که خارج از اختیار ما است، می‌توانیم در امان بمانیم و در بخشی هم که در اختیار ما است، تنبه پیدا می‌کنیم تا امر به معروف کنیم و با حسن تدبیر، پیشگیری نماییم.

۵. بارها گفته‌ایم که «نَعُوذُ بِكَ» لقلقه‌ی زبان نیست و معنای خاص خودش را دارد؛ از جمله

## منابع و مأخذ

طلب عفو و پناه بردن به استغفار  
تا حسن تدبیر و برنامه‌ریزی و  
مداخله‌ی اجتماعی و...

[۱]. ابن‌شاذان، الإيضاح، ص ۹.

۶. گاهی بر اثر عدم انجام  
وظیفه، یک شقاوت یا بدبختی،  
دامن خود انسان یا خانواده‌اش  
را می‌گیرد. در این موارد باید  
گفت: «نَعُوذُ بِكَ»؛ مخصوصاً  
در انحراف‌های جدید که پدر  
و مادر برای مقابله‌ی با آن باید  
حسن تدبیر داشته باشند.

[۲]. انفال: ۲۵.

[۳]. «همه‌ی شما نگهبان و مسئول  
[عملکرد و رفتار] یکدیگر هستید».  
ابن ابی‌جمهور احسائی،  
عوالی‌اللثالی، ج ۱، ص ۳۶۴.

[۴]. رعد: ۳۹.







افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر